«خروج» حاتمی کیا ۲ هفته تا فیلمبرداری

یک بازیگر مشهور زن در تست گریم فیلم جدید حاتمی‌کیا رد شد

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

سینمای سرگرمی محض نبود، اما نکته اینجاست که در دام جری گری و انفعال روشنفکری هم نیفتاد. اینکه خیلی‌ها چنین سینمایی را عاشقانه دوست دارند، حرف‌های زیادی با خودش می‌آورد. این یعنی می‌شود سینما نه زُست یا سرگرمی محض، بلکه دوست داشتنی باشد. بهترین و بدترین خصوصیت حاتمی کیا این است که قابل تقلید برای فیلمسازان ایرانی نیست، یا لااقل این ادعا را نمی‌کند. یک کشمکشی بین دو بی‌نهایت ایدی در کار نیست، بلکه کیف پول یا جواهر را باید برداشت و فرار کرد و شانس تعیین می‌کند جان سالم به در ببری یا نبری. حاتمی کیا در این سال‌ها زیر و بم و چم و خم زیاد داشته و تغییرات بسیاری کرده است، اما آنچه او را حاتمی کیا می‌کند، بخش‌های ثابت شخصیت فیلمسازی‌اش به‌حساب می‌آیند و آنچه او را یکه و تنها در این میان نگاه می‌دارد هم همین است. او که روزی جوان و پیشتاز بود، حالا باقی مانده دورانی است که در ایران، هنوز سینما نفس می‌کشید. هنوز فرمول‌ها معروف‌شدن در عین بی‌استعدادی، تا این حد فراگیر خاص نبود و تقریباً طبقات مختلف اجتماعی را درمی‌گرفت. فیلم به همین واسطه گل چرخ مخاطب هدف چندانی نداشت و برای تمامی طیف‌ها دارای تفسیر بود. به همین دلیل است که پس از گذشت ۳۲ سال از زمان ساخته‌شدن این فیلم، هنوز آن به‌عنوان یکی از آثار شاخص سینمای اجتماعی نام برده می‌شود. این یک آغاز صریح بود، برای سینمای اجتماعی ایران که تا پیش از آن داشت به دست کارگردانان جناح‌های فکری متفاوت، تنها مورد آزمون و خطا قرار می‌گرفت.

کار نمی‌کنند و پول هم اگر دست‌شان بیاید، به باد می‌دهند، زنی که خرج و مخارج آنها را می‌دهد، جای فاطمه و کاظم در آژانس یا حیدر و مرضیه در بادیگارد را گرفته‌اند. مردانی عصبی که داد کشیدن‌شان باعث می‌شود دختر بچه‌ای خودش را خیس کند، جای مردانی آمده‌اند که نه تنها جان، بلکه از آن بالاتر آبروی اجتماعی‌شان را هم برای احقاق یک حق به خطر می‌اندازند. دیگر کشمکشی بین دو بی‌نهایت ایدی در کار نیست، بلکه کیف پول یا جواهر را باید برداشت و فرار کرد و شانس تعیین می‌کند جان سالم به در ببری یا نبری. حاتمی کیا در این سال‌ها زیر و بم و چم و خم زیاد داشته و تغییرات بسیاری کرده است، اما آنچه او را حاتمی کیا می‌کند، بخش‌های ثابت شخصیت فیلمسازی‌اش به‌حساب می‌آیند و آنچه او را یکه و تنها در این میان نگاه می‌دارد هم همین است. او که روزی جوان و پیشتاز بود، حالا باقی مانده دورانی است که در ایران، هنوز سینما نفس می‌کشید. هنوز فرمول‌ها معروف‌شدن در عین بی‌استعدادی، تا این حد فراگیر خاص نبود و تقریباً طبقات مختلف اجتماعی را درمی‌گرفت. فیلم به همین واسطه گل چرخ مخاطب هدف چندانی نداشت و برای تمامی طیف‌ها دارای تفسیر بود. به همین دلیل است که پس از گذشت ۳۲ سال از زمان ساخته‌شدن این فیلم، هنوز آن به‌عنوان یکی از آثار شاخص سینمای اجتماعی نام برده می‌شود. این یک آغاز صریح بود، برای سینمای اجتماعی ایران که تا پیش از آن داشت به دست کارگردانان جناح‌های فکری متفاوت، تنها مورد آزمون و خطا قرار می‌گرفت.

رفته و نام خودش را اجتماعی گذاشته است. آنها تنها شده‌اند چون از هنجارهای غیرغربزی در برابر منفعت‌طلبی جماعت دفاع کرده‌اند و جنبه غالب شخصیت‌شان خروج با همان قیام است. قیام حتی اگر تک‌نفره آغاز شود، حرکتی اجتماعی است و منفعت‌طلبی حتی اگر تمام همتایان یک فرد در اجتماع، همان طور رفتار کنند، یک فردگرایی مبتذل خواهد بود. سینمای امروز ایران که خودش را عموما اجتماعی هم اسم داده، جهانی ترسیم می‌کند که در آن هیچ آدم آرمانگرایی وجود خارجی ندارد و همه سودجویانی هستند که به‌دنبال منفعت شخصی می‌روند. این نمایش یکجانبه‌ای است که از فردگرای‌های جامعه گرانما پیش چشم ماست و در آن سو حاتمی کیا اگر انسان آرمانگرا را نشان می‌دهد، در مقابلش نمایشنده واقعیت، نماینده تعصب، نماینده ترس و خیلی از گروه‌های دیگر هم مجال حرف‌زدن دارند. جوی که حاتمی کیا پیرامون قهرمان‌های آرمانگرایش نشان می‌دهد، در خود سینمای ایران جو غالب است و خصوصیت تلخ و نفسگیر این جریان آن است که با مخالفش حتی بحث نمی‌کند، آن را حتی به چالش نمی‌کشد، بلکه وجودش را انکار می‌کند و به روی خودش نمی‌آورد که او اصلا هست. حاج کاظم در آژانس، به زور اسلحه سعی دارد آنها را وادار کند حرف‌هایش را بشنوند و به‌وجود داشتنش اعتراف کنند. سال‌ها از شلیک آن گلوله به سقف آژانس کاکتوس در خیابان سپهبد قرنی می‌گذرد و ساله هنوز همان ساله است. به‌قول شاعر «جنگ تمام شده و حالا صلح دارد آدم می‌کشد»، آیا یکی نیست که فریاد بزند سرتان را برگردانید و عباس را ببینید؟ او وجود دارد، البته نه به شکل کلیشه مبتذلی که از آن ترسیم کرده‌اند و است، عباس از همه بی‌صدا‌تر و آرام‌تر و اصلا مظلوم‌تر

«خروج» نام آخرین اثر سینمایی ابراهیم حاتمی کیا است که مطابق نامش یک فیلم اعتراضی به‌حساب می‌آید. این فیلم در مورد روستاییانی است که برای اعتراض به وضع معیشتی‌شان به شهر آمده‌اند و درونمایه‌ای اجتماعی دارد. پیش‌تر اعلام شده بود قرار است قریبیان، بازیگر اصلی این فیلم است و پس از آن نام محمد فیلی هم به‌عنوان هنرپیشه‌ای دیگر اعلام شد. این عمده اخباری بود که طی هفته‌های اخیر درباره «خروج» منتشر شدند. مطابق اخبار جدیدتر، یک بازیگر مشهور زن هم برای حضور در خروج حاتمی کیا تست گریم داده، اما از طرف کارگردان انتخاب نشده است. البته یاد آور می‌شویم که این رویه‌ای مرسوم در بین اهالی سینما است به طور مثال جمشید هاشم پور پس از شرکت در چند جلسه از دور خوانی «ریان قرمز» جایش را به هنر پیشه دیگری داد یا بهناز جعفری جایگزین ستاره اسکندری در سریال «خاک سرخ» شد. فیلمبرداری «خروج» دو هفته دیگر آغاز خواهد شد. عمده فیلمبرداری این فیلم خارج از تهران خواهد بود و بخش قابل توجهی از بازیگران آن جزء هنرپیشه‌های جا افتاده و پیشکسوت سینمای ایران هستند.

ادامه از صفحه ۱۲

بررسی عصیان و اعتراض در سینمای حاتمی کیا

راهنمای «خروج»

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

یکی از وسوسه‌انگیزترین پروژه‌های سینمایی امسال، بیستمین ساخته «ابراهیم حاتمی کیا» است. «خروج»، گفته‌داستان آن از سینمای معترض اجتماعی می‌آید. داستانی که گفته می‌شود اعتراض گروهی از پنبه کاران شهرستانی است که در پی وخامت وضعیت کشاورزی‌شان، دست به اعتراض می‌زنند. این میان برخی از رسانه‌ها گزارش موثق داده‌اند که این گروه معترض، اعتراض‌های خود را به انحای مختلف علیه دولت ابراز می‌دارند... اما قدر مسلم آن است که حاتمی کیا با بیستمین ساخته خود، بار دیگر به سینمای اجتماعی صلف بازگشته است. سینمایی که نقش اصلی «خروج» (فرامرز قریبیان) از آن به‌عنوان بهترین فیلم کارنامه خود یاد کرده است. بازیگری که فیلم خوب یا کارگردان سرشناس بسیاری در کارنامه دارد، بنابراین باید منتظر یک غافلگیری بزرگ از کارگردان محبوب‌مان باشیم. البته یاد آوری نسبت به وضعیت دوباره حاتمی کیا به سینمای اجتماعی از کجا می‌آید؟ با نگاه‌نگاهی خواهیم انداخت به سیر سینمای اجتماعی در کارنامه این کارگردان غیرقابل پیش‌بینی.

«مهاجر» عمده تلاش کارگردان صرف عقب‌رفت تاکتیکی دو مفهوم «دفاع و تدفس» است. راهِ دوّ تاکتیکی حاتمی کیا در این دوفیلم، اعتراض به یک دفاع اجباری است. او می‌خواهد در پس تمام آن داستان‌های انسانی و حتی عاشقانه‌اش، نوعی شرافت و تقدس را به تصویر بکشد و وجه مقدس بودن جنگیدن و اعتقاد به دفاع سرزمینی را توجیه کند. حاتمی کیا با چنین عقبه‌ای قدم در سینمای دهه ۷۰ خود می‌گذارد. جایی که قرار بود وی از پوسته یک کارگردان آشنا برای منتقدان و سینماگران، به چهره‌ای عصیانگر برای مردم شریف سرزمینش تبدیل شود.

و این گونه عصیان آغاز می‌شود

«وصل نیکان» در سال ۷۰ ساخته می‌شود. سینمایش از همان سه قیلم قبلی حاتمی کیا می‌آید. این چنین می‌شود که رویکرد اجتماعی و اعتراضی موجود در آن به نسبت، کلی است و هم‌راستا با همان چیزی که بیشتر فیلمسازان دفاع مقدس به آن می‌پرداختند، شباهت کلی است و در دو جنگ طلبی و اینکه چرا مردم یک سرزمین نباید از حداقل‌های رفاه برخوردار باشند. اما این چیزی نبود که کارگردان عاصی ما را راضی نگه دارد. خودش متوجه شد که دارد به کار سنتش بتواند از چند جشنواره خارجی جایزه بگیرد و نامش را بنگارد تا تلویزیون جزیره و ژورنال‌های تخصصی سیاه و سفید کند. از تکنیک گرفته تا چالش‌های محتوایی، حاتمی کیا در یک کلام یعنی فیلمسازی سخت، یعنی لزوم بلد بودن کار و آشنایی تکنیکال و تئوریک با ابزار و زمینه. نتیجتاً آنقدری که این و آن مقلد پیدا کردند، او نکرد. او سخت باقی ماند و راحت‌ترین کار تاختن به جهان بینی‌اش شد. اگر حتی تفنگ و موتورسیکلت و هواپیما که در فیلم‌های حاتمی کیا امر بسیار یک ریبوت اساسی، «گویه‌هاوحتی اعتراض‌های اجتماعی خود را در قالب یک مانیفست بسیار کمرنگ ارائه می‌دهد. اما تو سیاسی فیلم، هنوز هم پس از گذشت بیش از سه دهه از ساخت آن، همچنان ملموس است. در دوفیلم دیگر (دیدمان و مهاجر) رویکرد اجتماعی همچنان در لفافه بیان می‌شود، اما جریش داستانگویی روایت، اجازه نمی‌دهد صریح‌تر آن را به مخاطب عام نمی‌دهد. هر چند باید بپذیریم که جنس اجتماعی که حاتمی کیا در این دوفیلم به تصویر می‌کشد، تفاوت‌های بسیاری با اعتراض‌های اجتماعی او در دهه‌های بعدی دارد. در دیدمان و،**

فیلم هم در اجرا و هم در استقبال، رشد خیره‌کننده‌ای به نسبت چهار فیلم نخست کارنامه حاتمی کیا داشت، حکم پیش‌زمینه‌ای برای حیات جدی آقای کارگردان را رقم زد. یک پیش‌زمینه‌ای قدرتمند برای رسیدن به درجه‌ای که همه از یک کارگردان محبوب انتظار داشتند. یک آرامش بزرگ از توفان برای شروع یک دگردیسی درونی و تحول بیرونی.

غلیان آرمان اجتماعی

«آژانس شیشه‌ای» اگرچه تحول بزرگ در بسیاری از شاخص‌های سینمای ایران بود، مهم‌ترینش اما تغییر داده‌های سینمای معترض اجتماعی بود. حاتمی کیا از زاویه دیگری نسبت به جامعه زیستی خود معترض بود. در پناه این زاویه دید منفاوت بود که وی به جای انتقاد از نحوه رابطه درخت و بسر با وجود محدودیت‌های زنان در جامعه‌ای مردانه و توده آزادی‌هایی در مسیر موسیقی و از این دست اظهارنظرها، از شاماهی انتقاد کرد. تفسیرهای سیاسون و جامعه‌شناس‌ها پس از تماشای این فیلم، متفاوت بود. سیاسیون خود پیک انتقادها را به خود گرفتند و آن را به نگاه حاکمیتی کلان اشاعه دادند و جامعه‌شناسان هم از لزوم تغییر در لحن گفتمان جدید سخن به میان آوردند. اما دوافلح تفسیر هر دو گروه دربست بود. حاتمی کیا به وسط خال زد، دوبد. شکل نوینی از سینمای اجتماعی را به منصه‌ظهور نهاد که گروه‌ها و جریان‌های فکری و عقیدتی مختلف، تفسیرهای ویژه خود را از آن بیرون می‌کشیدند و خالیه‌اکه، همان راهِ ورا می‌دانستند. «آژانس شیشه‌ای» پی‌رنگ اعتراض صریح اجتماعی را در خود می‌دید. اعتراضی که محدود به یک نظام فکری خاص نبود و تقریباً طبقات مختلف اجتماعی را درمی‌گرفت. فیلم به همین واسطه گل چرخ مخاطب هدف چندانی نداشت و برای تمامی طیف‌ها دارای تفسیر بود. به همین دلیل است که پس از گذشت ۲۲ سال از زمان ساخته‌شدن این فیلم، همچنان از آن به‌عنوان یکی از آثار شاخص سینمای اجتماعی نام برده می‌شود. این یک آغاز صریح بود، برای سینمای اجتماعی ایران که تا پیش از آن داشت به دست کارگردانان جناح‌های فکری متفاوت، تنها مورد آزمون و خطا قرار می‌گرفت.

کنارهای آنشفشان «آژانس شیشه‌ای»

پس از یک توفان گسترده که تا چندین سال تحلیل‌های متفاوتی نسبت به اثرگذاری بیرونی آن می‌شد، حاتمی کیا کمی قتیله را پایین کشید. دوفیلم «رویان قرمز» و «موج مرده» را ساخت که بیشتر به سینمای پیش از «آژانس شیشه‌ای» ارادت داشتند. البته که سازه‌های حق‌خواهی و کمال‌طلبی در این دوفیلم به‌مانند دیگر ساخته‌های حاتمی کیا کاملا مشهود است. اما آن سکل صریح اعتراض اجتماعی، در این دو اثر کمی کمرنگ می‌شود حال آنکه نمی‌توان در فلسفه ساخت این دوفیلم، از برخی انتقادها نسبت به حاتمی کیای آژانس به‌ساداگی عبور کرد. در بحبوحه اکران «آژانس شیشه‌ای»، برخی از منتقدان فیلمی حاتمی کیا را به این متهم کردند که چرا دوربین خود را از چهره مظلومانه جنگی بیرون آورده و می‌خواهد آن را تمام و کمال به «جامعه‌ای سنجاق کند. آیا این شکل فیلمسازی چه توفیری با شکل فیلمسازان کارگردانی دارد که اعتراض‌های اجتماعی مدنی و غیرضروری دارند. قطعا این قبیل نقدها، در گرایش حاتمی کیا به ساخت این دوفیلم تاثیر بسزایی داشت، اما آن روحیه گشته و عدالت‌خواهی نمی‌توانست روی را مجاب کند که این مسیر را در عدالت‌های بعدش هم طی کند. جامعه به دگردیسی متفاوتی رسیده بود و آدم‌های سابقه‌دار از جنگ نیز با عناوین دیگری شناخته می‌شدند و این آن چیزی نبود که کارگردان معترض ما را راضی نگه دارد.

«ارتفاع پست» و پاسخ به نیاز بود.

می‌دانیم که یکی از اصلی‌ترین کارکردهای هنری سینما، بیان اعتراضی آن است. اریک لوکوشن محدود تا کارکتریایی با روحیات متنوع. فیلم به مانند «آژانس شیشه‌ای» از یک خرده‌فرهنگ خانوادگی آغاز شده و به تمایزهای طبقاتی در سطح کلان می‌رسد. فرمولی که حاتمی کیا چندین بار از آن بهره برده و پاسخ مناسبی هم برای آن دریافت کرده است. «ارتفاع پست» اگرچه داده‌های اجتماعی کلانی دارد، اما تم اعتراضی آن، هیجانی و توفانی نیست. در همان سینمای دوست‌داشتنی که به نقد طراحی سازه قهرمان در اجتماع ایراد می‌گرفتند، به نقد عملکرد می‌پردازد. هر چند دوربین او در محفل خانواده است، اما بیان آن اجتماعی است. اتفاقی که بهترین نمونه‌های آن در سینمای

دادههای متفاوت یک اعتراض اجتماعی

«به رنگ ارغوان» شاید اگر در زمان خودش اکران می‌شد، همان توفانی را به پا می‌کرد که «آژانس شیشه‌ای» به پا کرد. فیلم پیش‌روی حاتمی کیا پس از حدود پنج سال توقیف، در جشنواره سال ۸۷ رونمایی شد و توانست سیرغ بشدت قابل تامل «بهترین فیلم جشنواره فجر» را از آن خود کند. اینکه کارگردانی فیلمی سازد که پیش‌تر سال بعدش بتواند سیرغ بهترین فیلم را از آن خود کند، نشان از توانمندی‌های بالای وی در تحلیل جامعه و شناخت‌شناسی نیازهایش دارد. «به رنگ ارغوان» در زنای اعتراض بود. از همان شکل کلاسیک اعتراض بگیرید. در شمایل نارضایتی از تخریب جنگ برای جاده‌سازی مطرح شد. تا روح اعتراض که در کلیت انقلابی فیلم احساس می‌شود. حاتمی کیا این بار نیز توانست با شخصیت‌پردازی گونه‌های مختلف تیپ‌های موجود در جامعه، به یک مانیفست اجتماعی کلان برسد، اما با توجه به توقیف پیچ سالانه او البته موازی‌های گرای هنرمندانه‌ای که حول داستانک‌های فیلم با ساخت سیر اصلی وجود داشت، این اعتراض صریح اجتماعی، آشفته‌تر به چشم آمد تا بسیاری، از این فیلم به فرنان‌ها که بیش‌تر الاغتشاه صرف یاد کنند. اما در پس زمینه، روند سینمای اجتماعی حاتمی کیا با چاشنی اعتراض، به سرانجاتی ملموس می‌رسد. در همان سال‌هایی که حاتمی کیا، «به رنگ ارغوان» را ساخت و با نامایمانی مواجه شد، باز هم اقتیله را پایین کشید. درست همان اتفاقی که پس از «آژانس شیشه‌ای» برای وی رقم خورد و سبب شد تا وی سراغ اثری چون «رویان قرمز» و «موج مرده» برود، حالا این بار پس از «به رنگ ارغوان» به‌وجود آمد و سبب شد تا وی به نام پدر و «دعوت» را بسازد. «به نام پدر» و «دعوت» با اینکه تمایلاتی خانوادگی دارند، اما آثار صریح اجتماعی هستند. کارگردان از فرمول سطح نگاوری‌های فردی و خانوادگی به یک اجتماع، نهایت بهره را برده و این طور واگویه کرده که مشکل این قهرمان‌های فیلم، درواقع مشکل بنیادین جامعه‌ماست. حاتمی کیا برخلاف بسیاری از کارگردانان اجتماعی‌ساز دهه ۸۰ که به نقد طراحی سازه قهرمان در اجتماع ایراد می‌گرفتند، به نقد عملکرد می‌پردازد. هر چند دوربین او در محفل خانواده است، اما بیان آن اجتماعی است. اتفاقی که بهترین نمونه‌های آن در سینمای

زندگی همسر اوباما سوژه یک سریال شد

ویلود ادیوسی در تلاش مینیک اوباما، همسر رئیس جمهور سابق آمریکا در یک سریال تلویزیونی ظاهر می‌شود. این بازیگر برنده اسکار، قرارداد ایفای نقش در این سریال را امضا کرده است. این سریال با عنوان «بانوهای اول» در شوتایم در دست ساخت است. هر قسمت از این سریال درام یک ساعتی بوده و آرون کولی رمان نویس نوشته و تهیه کننده‌گی اجرایی آن انتخاب شده است. این سریال پشت‌پرده زندگی بانوهای اول آمریکا را در تاریخ بررسی می‌کند و زندگی الینور روزولت، بتی فورد و میشل اوباما را به تصویر می‌کشد. بسیاری از صادقی در این سریال به اینکه متاسفانه با اتفاق برای آیده کنسرت هشتم شهریورماه در تهران لغو شد، اشاره کرد: «به‌طور حتم پس از بهبود کامل برادرم، باز دیگر با قدرت، با انرژی و انگیزه بیشتر به روی صحنه باز می‌گردد. به گزارش ایسنا، رضا صادقی، خواننده پاپ کشورمان یکشنبه شب (سوم شهریور) در منزل خود زمین می‌خورد و دچار شکستگی از ناحیه بازو نامی‌ی می‌شود و پس از آن به بیمارستان انتقال پیدا می‌کند. ». رضا صادقی، خواننده موسیقی پاپ، آهنگساز، تراننده‌ا، اهل بندرعباس است. وی اصالتا از شهری به نام میناب، روستای کریان است و در ۲۵ مرداد سال ۱۳۵۸ در محله شیر اول بندرعباس به دنیا آمد.

پای راست رضا صادقی جراحی شد

بردارم صادقی همسر جلاحی روی پای برادرش را موقیت‌آمیز عنوان کرد و گفت که خوانننده گروه مشکی پوشان فردا از بیمارستان مرخص می‌شود. محمدرضا صادقی در گفت‌وگو با ایسنا درخصوص آخرین وضعیت درمان رضا صادقی (هنرمند پاپ کشورمان) افزود: «خوشبختانه خدای جلاح روی پای برادرم بموفقیت‌آمیز بود و طبق گفته پزشکان این جراحی بسیار خوب انجام شد. » وی با بیان اینکه در حال حاضر وضعیت برادرش مساعد است، تصریح کرد: «فردا با بهبود وضعیت پس از عمل، رضا صادقی از بیمارستان مرخص و به منزل می‌رود. » صادقی با اشاره به اینکه متاسفانه با اتفاق برای آیده کنسرت هشتم شهریورماه در تهران لغو شد، اضافه کرد: «به‌طور حتم پس از بهبود کامل برادرم، باز دیگر با قدرت، با انرژی و انگیزه بیشتر به روی صحنه باز می‌گردد. » به گزارش ایسنا، رضا صادقی، خواننده پاپ کشورمان یکشنبه شب (سوم شهریور) در منزل خود زمین می‌خورد و دچار شکستگی از ناحیه بازو نامی‌ی می‌شود و پس از آن به بیمارستان انتقال پیدا می‌کند. » رضا صادقی، خواننده موسیقی پاپ، آهنگساز، تراننده‌ا، اهل بندرعباس است. وی اصالتا از شهری به نام میناب، روستای کریان است و در ۲۵ مرداد سال ۱۳۵۸ در محله شیر اول بندرعباس به دنیا آمد.

چار سو

نمایشگاه‌های کشورهای همسایه در اولویت حضور ایران

قادر آشنا، مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در گفت‌وگو با ایسنا درباره اینکه آیا امسال ایران در نمایشگاه‌های کشاب پاریس، وین و بلگراد شرکت می‌کند یا خیر، اظهار کرد: «براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران و توصیه رهبران و بزرگان ما تاکید بر نگاه به شرق است. در قانون هم به صراحت آمده که همسایگان، کشورهای اسلامی و کشورهای محذوره، اولویت سیاست خارجی کشور هاست. در تجربه مدیریتی ام نیز به این نتیجه رسیده‌ام که این مشی کاملا درست است، » او افزود: «در شرایط کنونی نمی‌خواهیم به رایلیاسی بیاندیشیم و در هر جای دنیا که امکان حضور داشته باشیم، حضور خواهیم داشت، اما اگر بنا بر اولویت بندی باشد، علی القاعده، اولویت با کشورهایی با هویت ایرانی-اسلامی و تمدن اسلامی است. حرفی که دنده‌ام، ایسنا بدالادستی است که به آن باور دارم، » او درباره حضور نیافتن در نمایشگاه بلگراد و وین هم گفت: «درباره بلگراد ما مباده‌ا غرفه رایگان داشتیم که قرارداد من تمام شده بود و در حال مکاتبه و رایزنی بودیم و گفتیم فعلا مسکوت بمانند تا گفت‌وگوهایمان به نتیجه برسد. همکاران ما مکاتباتی را با نمایشگاه بلگراد داشتند که جواب دادند و گفتند تمدید می‌کنیم. »

ادامه از صفحه ۱۲

هزینه‌های سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر اعلام شد

جشنواره ۱۰ میلیاردی

در سال ۱۳۹۳ بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر ارزبخش ملی جدا شد و پنج سال است که در اردیبهشت‌ماه هر سال برگزار می‌شود. رضا میرکریمی، دبیر سه دوره از این جشنواره بوده است. هر سال در زمان برگزاری این جشنواره حرف و حدیث‌های زیادی درخصوص هزینه‌های این جشنواره مطرح می‌شود. بخشی از منتقدان که از ابتدا مخالف جداسازی بخش بین‌الملل جشنواره از بخش ملی بودند، صرف هزینه‌های جداگانه برای برگزاری جشنواره را بی‌دلیل می‌دانند. در این دوره از جشنواره جهانی فجر، شایعاتی نیز درخصوص منابع مالی آن مطرح شد و اینکه یک سرمایه‌گذار جوان بخش مهمی از بودجه این جشنواره را تامین کرده است. برخی منابع خبری، مدعی شدند که سرمایه‌گذار این دوره از جشنواره، شخصی است که برای پروژه میلیاردی اما همه باهم هستیم؟ به تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی هزینه کرده است. روز گذشته در راستای سیاست شفاف‌سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در چارچوب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، جزئیات هزینه‌های انجام‌شده در سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر منتشر شد. براساس این گزارش که در ۳۷ بند تنظیم شده است، ۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه جشنواره جهانی فجر شده که دو میلیارد و ۸۱۳ میلیون تومان را سازمان زیباسازی شهرداری تهران و دو میلیارد تومان را وزارت ارتباطات مشارکت کرده است. ۲۱۴ میلیون تومان هم از محل بلیت‌فروشی و... تامین شده است. مابقی هزینه‌ها در حدود ۴/۵ میلیارد تومان نیز توسط سازمان سینمایی پرداخت شده است.

جدول هزینه های سی و هفتمین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر ۲/۴ تا ۱۳۹۸/۲/۱۷

ردیف	عنوان	موضوع فعالیت	تعداد	واحد	میانگین مدت همکاری	مبلغ (ریال)
۱	نیروی انسانی	دبیرستانیون و متدوان جشنواره	۳۹	نفر	ماه ۸	۸,۱۱۹,۹۰۰,۰۰۰
۲		عوامل اجرایی جشنواره، دوبلمن تشریفاتی	۴۴۲	نفر	۱۰ماه	۹,۹۹۱,۸۳۴,۴۵۱
۳		هیات های داوری و اساتید و جرک تنابها	۴۹	نفر	ده روز	۲۶۸,۴۰۰,۰۰۰
۴	اجرایی	پذیرایی پردیس چارسو، اختتامیه و شام	۱۸۱۰	نفر	روز ۹	۶۵۴,۰۴۸,۴۴۱
۵		آماده سازی و تجهیز بازار و نمایشگاه تجهیزات و اینترنت غرف و کتابخانه ویدئویی و اجاره تاب				۳,۰۲۸,۴۹۰,۰۰۰
۶		تدارکات و پشتیبانی و هزینه های دفتری و پی سیم و لباس راهنمایان				۲,۰۹۳,۵۶۷,۹۰۱
۷		تهیه کیفت های جشنواره، شامل کیف و دفترچه و خودکار	۱۲۰۰	پکیج		۲۹۴,۰۸۵,۰۰۰
۸		تدوین، ترجمه و زیرنویس دو زبانه کاتالوگهای دوره ۳۴ تم و ۷۵۴ دقیقه	۱۲	برنامه		۵۲۷,۰۰۰,۰۰۰
۹		تهیه نرم افزار کنترل ورود و خروج	۱	برنامه		۱,۰۱۹,۰۰۰,۰۰۰
۱۰	جوایز و هدایا	جوایز برنده در مراسم اختتامیه و تهیه تندیس برای ایشان	۱۳	جایزه		۲,۰۱۲,۴۴۶,۴۰۰
۱۱	آماده سازی و پشتیبانی فنی	خدمات استودیوی و تهیه DCP، دانلود مستر فیلم ها و هزینه های DHL برای فیلم های ارسالی	۱۰۳۴۷	دقیقه		۶,۲۹۹,۴۴۰,۱۳۵
۱۲		پرداخت حق نمایش به صاحبان اثر برای فیلمهای خارجی و داخلی	۱۴۷	فیلم		۲,۱۴۳,۲۸۴,۲۷۰
۱۳	محل های برگزاری	اجاره پردیس سینمایی چارسو ، اجاره و تجهیز سینما قشقایی و تهیه و نصب پرژکتور دیجیتال	۲۲	روز		۴,۹۶۱,۱۱۹,۴۰۰
۱۴	طراحی، چاپ و تبلیغات	خبرنگار، مترجم، عکاس، دوبلسار برای بخش های فارسی و انگلیسی	۶۶	نفر	روز ۱۵	۱,۰۶۰,۴۲۰,۰۰۰
۱۵		ساخت خبری رسانه های صوتی و تصویری بین المللی	۶	شبکه	۹روز	۷۹۶,۰۰۰,۰۰۰
۱۶		کاتالوگ، کتاب بازار، پوشن، پوکاند، کتاب مستقل دوره ۳۴ تم، جداول نمایش فیلم ، ویدئوهای معرفی فرائد				۷۱۰,۲۶۰,۰۰۰
۱۷		تهیه و چاپ برنامه های تلویزیون از شبکه های۵،۶ و نمایش و پوشش کامل اختتامیه	۲۴	برنامه		۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۸		اجاره زیر ساخت سایت و اینترنتی جشنواره				۴۴۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۹	طراحی، چاپ و تبلیغات	طراحی و گرافیک و پوستر و تبلیغات محیطی داخل و خارج تالار جشنواره و بنرهای تبلیغاتی شهری و ساخت چاپ و بنرینات	۱۲۵		طبق طرح	۲,۸۴۹,۹۳۳,۲۳۱
۲۰		هزینه آگهی ها در جشنواره های بین المللی و محلات سینمایی خارجی				۲,۰۲۹,۵۹۰,۲۳۱
۲۱		ساخت نیز اصلی جشنواره و نیزهای بخشهای مختلف جشنواره و نیز بانلنگاه و معرفی فیلم ها	۵۹			۴۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۲	آئین ها	مراسم اختتامیه	۱	برنامه		۲,۶۹۵,۵۰۰,۰۰۰
۲۳		برگزاری مراسم برگذاشت و رونمایهای رسمی از فیلم های کلاسیک مرمت شده ایرانی و بین المللی	۸	ایونت		۶۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۴	فعالیتهای علمی آموزشی و دانشگاهی	برگزاری نشست های علمی بین رشته ای در باشگاه جلاوه های دو عوامل کلیدی	۱۶	جلسه	طی ۱۰ روز	۷۴۹,۲۴۵,۰۰۰
۲۵		برگزاری کلاسها و کرسی های خارج دانلفیش برای ۶۰ دانشجوی خارجی و ایرانی	۱۲۹	جلسه	طی ۱۰ روز	۹۲۹,۶۹۰,۰۰۰
۲۶		برگزاری ۴۴ ورکشاپ های تخصصی و معرفی ۱۲۵ فیلم و برگزاری نشست های بررسی فیلم	۱۲۹	مورد	طی ۱۰ روز	۱,۰۴۲,۰۱۵,۰۰۰
۲۷	مهمانان خارجی	تهیه بلیط هواپیما ۳ مورد و پرداخت کمک هزینه بلیط ۴۴ مورد	۴۷	نفر		۱۴,۱۲۵,۶۵۰,۱۷۰
۲۸		اتاپ و دعاپ مهمانان از فرودگاه			۸روز	۱,۲۴۹,۶۰۰,۰۰۰
۲۹		اقامت در هتل های گرینوم و پرشیا	۲۲۴	نفر	۸روز	۱۱,۵۳۱,۲۹۴,۲۴۱
۳۰		برگزاری تور های شهری برای مهمانان خارجی	۴۲	تور	۸روز	۲۲۹,۰۰۰,۰۰۰
۳۱	هزینه های جلب حامی	ارائه خدمات به اسپانسرها و هزینه های جلب حامی				۱,۴۲۹,۰۰۰,۰۰۰
۳۲	مکسود قانونی	مالیات تکلیفی بابت حق آحاد های پرداختی				۲,۰۳۴,۹۸۵,۴۲۸
		جمع کل (ریال)				**۹۵,۰۹۵,۹۱۰,۵۱۳**

منابع جشنواره جهانی دوره ۳۷

مشارکت سازمان زیباسازی شهر تهران	۲۸,۱۲۵,۵۲۸,۵۱۴
مشارکت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
سایر منابع شامل بلیط ، باشگاه هواداران ، کارت تردد، و غرفه ها	۲,۱۴۰,۰۱۸,۵۷۰

توضیح :الف‌ی هزینه های جشنواره از محل کمک اعطایی سازمان امور سینمایی تامین شده است .

یادداشت

چرا جعل اشعار پناهی راحت‌تر است؟

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

زمانی دکتر شریعتی، زمانی دکتر چمران و زمان